

ما همه گمی تا بم فرمان تو
 بنده نوازی تو فریاد رس
 در شب و روزیم آنا خوان تو
 جز تو نداریم امیدی بکس
 یاس پدر نگهدارید

یکی پیر مردی بدیدم یریش
 زرنج جهان قد او چون کمان
 به گریه همی گفت آن پیر مرد
 که باشد مرا کودکی بس شیر
 دلم کرده ازرنج و سختی دو نیم
 بهیرم من و راحت ازغم شوم
 نموده است روزم سیه این پسر
 بمن هرچه این سان کند اورواست
 چه یاس پدر من نمی داشتم
 پدر را جفا کرده ام بی حساب
 از این روی بر من چنین ما جراست
 که دارد دل ازرنج و غم ریش ریش
 دلش پر زانده تھی از توان
 بحالی غمین و دلی پر ز درد
 که کرده مرا ازغم و رنج پیر
 خدایش بزودی نماید یتیم
 روم فارغ از رنج عالم شوم
 امیدم که گردد چه من او پسر
 که هر کس چه من کرد اینش سزاست
 زهر خود این تخم را کلام
 نه گشتم زدست پسر دل کباب
 که در جای آن حال اینم سزاست
 محمد همایون

خدا پرستی

اگر بخواهیم عمارتی پایدار بماند باید بر روی پایه استواری گذاشت
 و الا از باد و باران و دیگر حوادث روزگار بزودی سرنگون خواهد
 شد - اینک اگر بخواهیم برای نظام زندگی پایه استواری پیدا کنیم بهترین
 از خدا شناسی چیز برا نمی شناسیم - زیرا هر کاریکه برای غیر از خدا
 باشد برقرار نخواهد ماند

چنانکه گفته اند مردی شنید پسر یکی از بزرگان مرده برخواست
 رفت برای تشییع جنازه او در بین راه دید جنازه را میاورند معلوم شد
 که این جنازه خود آقا است و اینک پسرش در دنبال او عزادار می رود
 از همانجا برگشت گفت ما جنازه پسر آقا را تشییع می کردیم برای آقا
 حال که معلوم شده خود او مرده جنازه اش را برای که تشییع کنیم
 اینک به بینید اگر همه کارها مانند کار این مرده برای آقا یا مال

یا جمال یا امثال اینها باشد کار دنیا بکجا خواهد کشید
 زیرا اینها همه پرکاهی را مانند که در جلو تند بادی باشد هر
 ساعت در يك طرف میرود آیا میتوان این ها را پایه اعمال نیک قرار
 داد - اینکه دین اسلام از ربا نكوهش بسیار کرده برای همین است که
 مردم کار ها را برای خدا کنند تا بعمل خود پایدار بمانند - آنانکه
 باسم وطن پرستی و معارفیروزی و غرور ملی و امثال این کلمات از
 دیگران کاری میخواهند باید بدانند که خود را فریب میدهند والا کسی
 گوش باین حرفها نخواهد داد

مگر ما خود ندیده ایم که در زمان های پیشین که خدا شناسی
 در میان مردم بیشتر بود چه بنا ها و مدارس و آب انبار ها و یلها
 و موقوفات دیگر از خود بیاد کار میگذاشتند - ولی اکنون تمام آن
 کردار های نیک از میان رفت و اگر هم باشد باز از همان مردمان
 خدا پرست است با برای غرضهای مادی دیگری است که اسم او را وطن
 پرستی یا چیز دیگر میگذارند

کسانیکه میخواهند با تعلیم و تربیت بدون همراهی دین این بشر
 جنایتکار را بنیکو کاری وادار کنند تمام زحماتشان نقش بر آب خواهد
 بود - آری تسلیم و تربیت در مقابل دو قوه نیرومند شهوت و غضب
 مانند پشه ضعیفی است در مقابل تند بادی هیچ کدام را در مقابل چنین
 دشمنی قوی تاب مقاومت نیست - چنانکه پادشاهی کربه را تربیت کرده
 بود که در مجالس او شمع بر دست میگرفت و با ادب مینشست تا به
 دیگران بفهماند که همه چیز قابل تربیت است وزیر دانشمند سلطان گفت
 بای همه چیز قابل تربیت است ولی تا هنگامیکه خواهش طبیعت برابزش
 نباشد - این بود که موشی گرفت و در مقابل آن کربه رها کرد
 کربه در اول امر بمقتضای تربیت قدری ابستاده کی کرد آخر در مقابل
 جست و خیز های موش بی تاب شد ناچار شمع را بر زمین انداخت و
 دنبال موش رفت

مگر خود ندیده ایم که کربه های تربیت شده اروپا که کوس
 نمدهشان از افلاک گذشته برای یکپاره گوشت چگونه بجان یکدیگر افتادند

و مدت‌ها زمین و آسمان و دریا را یکپارچه آتش کردند و شاید چیزی نگذرد که از این بدتر ها را هم ببینیم

بت پرستی

بت پرستی گیاه خود روئی است که هر چه کوشش شود برای برداشتن ریشه اش باز می بینی پس از مدتی از يك گوشه سر در آورده ادیان الهیه مخصوصا دین اسلام برای برداشتن ریشه این گیاه خود رو سعی بسیار کردند - اینکه دین اسلام صورت سازی و قبر سازی را منع کرده و گفته در مقابل آتش و انسان و قبر امام و پیغمبر نماز نخوانید و معابد و مساجد را ساده و بدون آرایش خواسته و دیگر این گونه احکام همه برای این است که اصل و ریشه بت پرستی برداشته شود - راستی باین همه سد های محکمی که دین اسلام در جای پرستی گذاشت هیچ گمان نمی رفت که بتوان از او کمترین اثری در این دین مقدس پیدا کرد

با این حال می بینید امروز هزارها کوه و سنگ و درخت و رودخانه و بناء و امثال اینها است که آنها را می پرستند - آری می پرستند

ولی نه بعنوان لوهیت بلکه آنچه آنکه بت پرستان بت را می پرستند و خدا از زبان آنها میگوید (که اینها شفیعیان ما هستند نزد خدا ما آنها را نمی پرستیم مگر برای اینکه ما را بخدا نزدیک کنند هر گاه دلیلی یا مدرکی از آنها بخواهند چیزی نمیدانند و اگر بدانند خواب است آنها خوابی که معلوم نیست از کجاست و بر فرض گرفته ایم معلوم باشد مگر خواب هم میتواند مدرک احکام و تکالیف باشد چنانکه حضرت صادق در جواب کسانی که برای بعضی تکالیف خود ادعای خواب میکردند میفرماید (دروغ میگیرند دین خدا چیزی نیست که بخواب دیده شود - آری اگر بنا بود که مدرک احکام بخواب درست شود جهت نداشت که برای تنقیح احکام علماء آنها زحمت های بی حساب را بخود بدهند - ممکن بود هر کسی برای خود خوابی به بیند و تکالیف خود را معین کند - راستی تعجب است در جائیکه علماء بر حجیت اخبار معتبره اشکالها دارند اینها می خواهند با خواب هر پیره زن تکالیف خود را معین کنند